

[A Persian translation of a letter from the Department of the Secretariat dated
9 May 2014 to an individual believer]

ترجمه‌ای از
نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۹ مه ۲۰۱۴

ارسال از طریق الکترونیکی

جناب آقای ...

...

دوست عزیز روحانی،

مرقومه مورخ ۱۱ ژانویه ۲۰۱۴ شما به بیت العدل اعظم واصل گشت. مقرر فرمودند به شرح ذیل مرقوم گردد.

شما در باره چالشی صحبت می‌کنید که بهائیان برای درک و رعایت تعالیم الهی در مقابل قوای نیرومند اجتماعی اثرگذار بر نگرش عمومی نسبت به همجنسگرایی، با آن مواجهند. در این رابطه اظهار می‌دارید که بعضی از احبّاً به این فکر متوسّل می‌شوند که تعالیم دیانت بهائی باید تغییر یابد تا با آنچه ارزش‌های پیشرفته اجتماعی تصوّر می‌شود همگام گردد، در عین حال بعضی دیگر علی‌رغم تمسک محکم به تعالیم، قادر به رفع تناقض بین دیدگاه بهائی و شیوه افکار متداول در اجتماع نیستند. تجزیه و تحلیل اندیشمندان شما در مورد مسائلی که مطرح نموده‌اید موجب قدردانی است.

مبحث جاری پیرامون موضوع همجنسگرایی که در غرب آغاز شده و به نحو فزاینده‌ای در سایر نقاط جهان ترویج می‌شود، عموماً شکل یک دوگانگی دروغینی دارد که شخص را ملزم به انتخاب موضعی می‌نماید که مسئله را قبول و یا رد نماید. بهائیان البته نسبت به هرگونه رفتار تعصب‌آمیز یا ظالمانه و نیز نیازمندی‌های کسانی که در نتیجه این رفتار رنج می‌برند حسّاس خواهند بود. اما جانبداری از یک دیدگاه خاص در مباحثات عمومی بمنزله قبول مفروضاتی است که آن دیدگاه بر آن متکی می‌باشد. بعلاوه این بحث در جوی از اوج‌گیری مادی‌گرایی و تغییر جهت اجتماع که در طی دورانی متجاوز از یک قرن صورت گرفته مطرح می‌شود، تغییری که از جمله

پیامدهایش تأکیدی ویرانگر بر تمایلات جنسی است. فرضیه‌ها و فلسفه‌های گوناگون، مفاهیم مختلف صواب و خطا را که همیشه بر رفتار شخص حکمفرما بوده تضعیف نموده است. بعضی از مردم تابع نسیب‌گرایی هستند و فرد را تعیین‌کننده اولویت‌های اخلاقی خویش می‌دانند و برخی دیگر مفهوم یک نظام اخلاقی در حیات شخصی را مردود شمرده معتقدند که هر معیاری که غریزه طبیعی را محدود نماید برای فرد و نهایتاً اجتماع مضر است. بنا بر این ارضای امیال نفسانی به اسم جلوه ماهیت طبیعی فرد نه تنها امری معمولی محسوب می‌شود بلکه معیار زندگی سالم می‌گردد. در نتیجه، تمایلات جنسی یک مشغله فکری شده است که در امور تجاری، در رسانه‌ها، در هنر، و در فرهنگ مردمی رخنه کرده و بر رشته‌هایی چون پزشکی، روان‌شناسی، و آموزش و پرورش اثر گذاشته انسان را تا حدّ یک شیء تنزل می‌دهد. تمایلات جنسی، دیگر نه فقط بخشی از زندگی بلکه به عنصر توصیف‌کننده هویت شخص تبدیل گشته است. عقیده‌ای که در افراطی‌ترین شرایط در بعضی اجتماعات با بی‌باکی ترویج می‌شود اینست که خویش‌داری و محدود کردن انگیزه جنسی برای نوجوانان غیر عادی، ازدواج برای جوانان بالغ بدون اینکه ابتدا روابط جنسی داشته باشند غیر منطقی، و اکتفا به تک‌همسری برای یک زوج غیر ممکن است. ابراز بی‌حد و حصر تمایلات جنسی به هر شکل و صورت امری طبیعی انگاشته شده و چون موضوعی عادی پذیرفته می‌شود و تنها محدودیت آن آسیب نرساندن به دیگران است در حالی که هر عقیده متفاوت دیگری کوتاه‌فکری و واپس‌گرایی محسوب می‌گردد. ازدواج افراد همجنس در چارچوب ارزش‌های موجود، نه فقط به عنوان انصاف‌طلبی بلکه به عنوان گامی اجتناب‌ناپذیر در جهت محو نشانه‌های آنچه که اخلاقیات سنتی سرکوب‌گر تلقی می‌شود، مطرح می‌گردد.

دیدگاه مندرج در آثار بهائی شدیداً با این الگوی فکری که در بسیاری از اجتماعات در حال اشاعه است متفاوت می‌باشد. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید که علم خداوندی از طریق مظهر ظهور الهی نازل می‌گردد. مظهر ظهور با وقوف ذاتی به شرایط انسان و به نظم اجتماعی، مقصدش تأسیس اصول و قواعدی است که موجب تقلیب عمیق در حیات درونی و شرایط برونی نوع بشر می‌شود. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید که هیچ انسانی هر قدر هم که بینش او عمیق و دقیق باشد هرگز نمی‌تواند امید رسیدن به فراز دانش و درک پیامبران الهی را داشته باشد. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌دهند که انسان دارای دو ماهیت است، ماهیت روحانی یا برتر و ماهیت مادی یا پست‌تر، و مقصد از زندگی این است که انسان بر محدودیت‌ها و وسوسه‌های ماهیت مادی خود غلبه نموده فضایل و صفات روحانی خویش را پرورش دهد، صفاتی که از خصایص روح و هویت حقیقی و ابدی فرد است. آمال دنیوی جوهر و ذات انسان نیست بلکه حجابی است از برای آن. پیروی از تعالیم مرتبی الهی سرشت و شخصیت انسان را تلطیف نموده استعدادهایی را که در وجود هر شخص به ودیعه نهاده شده است پرورش می‌دهد و فرد و اجتماع را از تمایلات پستی که موجب بروز امراض مصیبت‌بار برای عالم انسانی می‌گردد، رها می‌سازد.

حضرت عبدالبهاء فرق بین دو دیدگاه فوق‌الذکر رایج در جهان را تشریح می‌فرمایند. آن حضرت "آزادی سیاسی اروپایی‌ها" که "انسان هر چه می‌خواهد می‌کند به شرطی که به دیگری ضرری نرساند" و "آزادی" در تحت سنن و احکام الهیه" را مقایسه نموده چنین نتیجه‌گیری می‌نمایند که "در دین الله حریت اعمال نیست از قانون الهی

انسان نمی تواند تجاوز نماید ولو ضرری به غیر نرساند چه که مقصود از قانون الهی تربیت وجود خود و غیر است زیرا عندالله ضرر غیر و خود یکسانست. هر دو مذموم است. " بنا بر این برای بهائیان همانگونه که پرورش بدن قوی و سالم مستلزم پیروی از تمرینات و انضباط جسمانی صحیح می باشد، به همین نحو تلطیف صفات انسانی مستلزم جهد و کوشش به منظور عمل در چارچوب آن اصول اخلاقی می باشد که توسط مظهر ظهور الهی تشریح گردیده است.

اگرچه بهائیان در مورد هویت انسان، تمایلات جنسی، اخلاق شخصی، و تقلیب فردی و اجتماعی عقاید مشخصی دارند در عین حال معتقدند که افراد باید آزادانه حقیقت را جستجو نمایند و تحت اجبار قرار نگیرند. از اینرو بهائیان مکلفند که نسبت به افرادی که دارای نظریات متفاوتند با صبر و مدارا رفتار نموده در مورد دیگران برطبق معیارهای خود قضاوت نکنند و سعی بر تحمیل این معیارها بر اجتماع ننمایند. تحقیر یا تعصب نسبت به فردی که گرایش همجنسگرایی دارد به کلی مخالف روح امر است و در موارد مقتضی، اظهار نظر و یا اقدام علیه اعمال ظالمانه و غیر عادلانه نسبت به همجنسگرایان به جا خواهد بود.

به نظریت العدل اعظم شرکت در مباحثات با کسانی که مقام حضرت بهاءالله را قبول ندارند به منظور متقاعد ساختن آنان به اینکه نظریاتشان اشتباه است، مقرون به صلاح نمی باشد و چنین کوششی مآلاً بی ثمر خواهد بود. حضرت شوقی افندی یاران را به "عدم اعتنا و تعرض به مخاصمات سیاسیّه و منازعات مذهبیّه و مبادی سقیمه اجتماعیّه حالیّه" نصیحت می فرماید. پاسخ جامعه بهائی به چالش هایی که بشریت با آن مواجه است در این نیست که با یک یک این مسائل خاص مبارزه کند بلکه کوشش در ارتقای دیدگاه هموعان و همکاری با آنان برای بهبود عالم می باشد. احبای الهی حین مشارکت در امور اجتماع در همه سطوح، باید بین گفتمان های مربوط به قوای مخربه مانند تأکید مبالغه آمیز بر تمایلات جنسی که مشارکت در آن بی ثمر خواهد بود و گفتمان های مربوط به قوای سازنده که هدفش وحدت و همکاری در رفع آلام اجتماعی است، و می توانند به نحو مؤثری به آن کمک نمایند، تفاوت قائل شوند. آنان باید توجه داشته باشند که مسائل تفرقه انگیز روز که با ظاهری فریبنده به عنوان حقیقت یا پیشرفت معرفی می شود، با تعالیم امر مبارک منافات شدید دارد و بر جامعه بهائی تحمیل می شود و گاهی می تواند منتج به بروز "امتحانات شدید فکری" گردد که برطبق آثار مبارکه "ناگزیر احبای غرب را در بر خواهد گرفت"، "امتحاناتی که به تطهیر و تنزیه و آمادگی آنان برای رسالت شریف در زندگی شان خواهد انجامید." (ترجمه)

همانگونه که بهائیان نظریات خود را بر دیگران تحمیل نمی کنند، لذا نمی توانند به خاطر روال های متغیر در افکار عمومی، از اصول اعتقادی خود صرف نظر نمایند. حضرت شوقی افندی می فرماید که الگوی زندگی الهام بخش بهائیان "به هیچ وجه نمی تواند فرضیه ها و معیارها و عادات و زیاده روی های عصری منحط را بپذیرد" (ترجمه) و حضرت بهاءالله نصیحت می فرماید "لا ترنوا کتاب الله بما عندکم من القواعد و العلوم انه لقسطاس الحق بین الخلق قد یوزن ما عند الأمم بهذا القسطاس الأعظم...." ایمان به حضرت بهاءالله به معنی قبول تعالیم

و احکام آن حضرت است از جمله تعالیم مربوط به اخلاق و رفتار شخصی، حتی اگر در اجرای آن باید جهدی بلیغ مبذول داشت. اگر شخصی ادعای بهائی بودن نماید و در عین حال جنبه‌هایی از اعتقاد یا تکالیف مقررۀ آن حضرت را نفی یا بی‌اهمیت تلقی کند و یا با آن به مخالفت برخیزد دچار تناقضی عمیق می‌شود. حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس وظایف دوگانه نازله از طرف خداوند برای بندگان حق را شناسایی مظهر الهی و قبول فرامین او تعیین می‌فرماید. هیکل مبارک تأکید می‌نمایند که "لأنّهما معاً لا یقبل احدهما دون الآخر". بهائیان نصایح حضرت بهاء‌الله را به خاطر عشق به ایشان و اطمینان به کارآیی هدایات آن حضرت آگاهانه می‌پذیرند نه از روی اطاعت کورکورانه. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند "لا تحسبن انا نزلنا لکم الأحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم بأصابع القدرة و الاقتدار". تعالیم آن حضرت حافظ ماهیت حقیقی و مقصد انسان است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند "باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جهان یابند و الا در زحمت و مشقّات افتند زیرا سعادت عالم انسانی به اخلاق رحمانیست."

شما البتّه از موازین صریح آیین بهائی به خوبی آگاهید. ازدواج رابطه‌ایست بین یک مرد و یک زن و روابط جنسی فقط بین زن و شوهر مجاز است. این نکات در آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی بیان و مقرر گردیده و نمی‌تواند توسط بیت العدل اعظم تغییر یابد. همچنین حضرت بهاء‌الله برخی اعمال جنسی از جمله روابط همجنسگرایی را نهی می‌فرمایند. اگر افرادی هستند که چنین بیاناتی را مبهم می‌انگارند، تبیینات صریح حضرت ولی‌امرالله توضیحی است لازم الاطاعه از هدف و منظور حضرت بهاء‌الله. تبیینات حضرت ولی‌امرالله در مقام مبین منصوص، معنای حقیقی آثار مقدّسه را روشن می‌سازد و از اطلاعات علمی زمان سرچشمه نمی‌گیرد.

بهائیان همچنین باید مراقب باشند تا مبدا طرز فکر نکوهش‌آمیز ناشی از مباحثات عمومی در جوامع شان ریشه دواند. غیبت و بدگویی، تعصب و بیگانگی بین آنان جایی ندارد. همه به لزوم تقلیب خود بر اساس تعالیم حضرت بهاء‌الله واقفند و سعی می‌کنند به طرق مختلف متخلّق به اخلاق بهائی گردند و دلیلی وجود ندارد که بین چالش تمایل به فردی همجنس و دیگر چالش‌ها تفاوتی قائل شد. حضرت ولی‌امرالله تصریح فرموده‌اند که بهائیان با گرایش به همجنسگرایی نباید از جامعه استعفا دهند و باید مورد حمایت و شفقت قرار گیرند. بیت العدل اعظم با اشخاص و خانواده‌هایی که در این راستا برای درک و تمسک به تعالیم مبارکه تلاش می‌کنند و در عین حال دستخوش مشاجرات رایج در اجتماع شان می‌باشند عمیقاً احساس همدردی می‌نمایند.

نسخه‌ای از دو نامه که به مواضع مربوطه اشاره می‌کند برای مطالعه شما ضمیمه است. مطمئن باشید که بیت العدل اعظم در اعتبار مقدّسه علیا دعا می‌نمایند که به برکات تأییدات لاریبه الهیه راهنمایی و مؤید گردید.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

ضمیمه دارد